



- در محضر بزرگان

متوجه جایگاه خودمان بشویم

آیت ... جوادی آملی با این مقدمه که اگر حرف انبیا را باور کنیم که ابدی هستیم، شرافت خود را ارزان نخواهیم فروخت، فرمودند: «... قرآن می گوید انسان مرگ را می میراند نه این که بمیرد. در فرهنگ دین، انسان ثابت است و نه ساکن؛ بنابراین اگر ما این حرف انبیا را بفهمیم و باور کنیم که ابدی هستیم، شرافت، کرامت و انسانیت خود را ارزان نخواهیم فروخت. قرآن جایی که از علم، فهم، ادب و امانت سخن می گوید نام انسان را در کنار نام فرشتگان ذکر می کند و در جایی که حرف از خوردن است، نام انسان را در کنار نام حیوانات می آورد؛ درک این معارف قرآنی، انسان را متوجه جایگاه خود می کند و او را به او می شناساند؛ بیماری هایی مانند اختلاس، بی آبرو کردن دیگران، حقوق های نجومی و غرور که جامعه را تکه تکه می کند، ریشه در همین نکته دارد که انسان خود را نشناخته است.» ایستنا

- احکام

محرم بودن داماد به مادر زن ناتنی

محمد علی ندائی - اگر مردی بعد از فوت همسر اولش ازدواج کرده و دارای همسر شده است یا این که دو همسر داشته باشد، آیا داماد هر یک از همسران به همسر دیگر آن مرد محرم است یا نه؟ حضرت آیت ا...خامنه ای در استفتایی می فرمایند که محرم نیست زیرا اسباب محرمیت که عبارت از ازدواج با دختر است، نسبت به همسر دیگر وجود ندارد و همسر دیگر، مادرزن به شمار نمی رود تا محرم داماد باشد:
سوال: آیا داماد خانواده (شوهر دختر خانواده) به مادرزن ناتنی (زن دیگر پدر) محرم است؟
جواب: نامحرم است.

- یادش بخیر



- داستانک

عصای برعکس!

مجلس مهمانی بود. پیرمرد از جایش برخاست تا به بیرون برود اما وقتی که بلند شد، عصایش را برعکس بر زمین نهاد و چون دسته عصا بر زمین بود، تعادل کامل نداشت. دیگران فکر کردند که او چون پیر شده، حواس خود را از دست داده است و متوجه نیست که عصایش را برعکس بر زمین نهاده است. به همین خاطر، صاحبخانه با حالتی که خالی از تمسخر نبود به وی گفت پس چرا عصایت را برعکس گرفته‌ای؟ پیرمرد، آرام و متین پاسخ داد: «زیرا انتظایش خاکی است، می خواهم فرش خانه‌تان خاکی نشود.»

برگرفته از سایت یکی‌بود،

- سفرنامه

دلیل مهارت کوبایی‌ها در تعمیر خودرو!



برگرفته از کتاب «سیاستین، اثر «منصور ضابطیان»

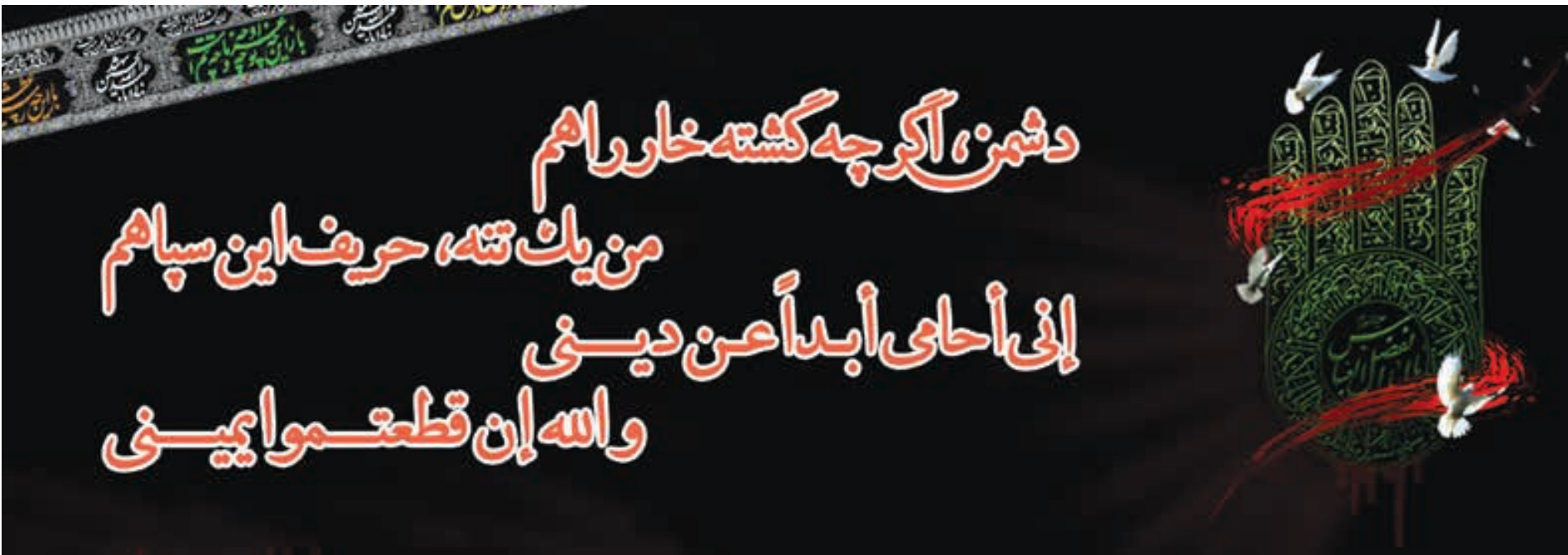
- اندک صبر

روشنی نزدیک است

«قد کشیدن در باد»
چه کسی می‌گوید
پشت این تانیه‌ها
تاریک‌است؟
گام اگر برداریم
«روشنی» نزدیک است

سهراب سپهری

چهارشنبه ۵ مهر ۱۳۹۶ . ۶ محرم ۱۴۳۹ . شماره ۱۹۶۴۵



- خودمونی

راز محرم

محرم که می‌شود، انگار قافیه‌های زندگی عوض می‌شود. هر کاری هم انجام بدهی، آخرش هیئت است و عزاداری و سینه زنی. مثل شعری که ابیاتش عوض می‌شود اما قافیه هایش تغییر نمی‌کند. اوضاع و احوال شهر هم، چنین وضعی پیدا می‌کند. شاید زندگی می‌شود شعر محتشم و قافیه هایش عاشورا و عزاداری و حسین (ع). وقتی دقیق تر نگاه می‌کنی متوجه می‌شوی به غیر از حال آدم‌ها چیزهای دیگری هم هستند که هم‌زمان تغییر می‌کنند؛ مثل طعم چای‌ها که در روزه‌ها با بقیه روزهای سال فرق می‌کند و چای خور هم که نباشی چای روزه را نمی‌شود نادیده بگیری. این تغییر و تحولات در احوالات آدمی از یک طرف و تغییر نکردن بعضی از عناصر این ماه از طرف دیگر، کم کم آدمی را متقاعد می‌کند در این قضیه رازی نهفته است. از قدیم الایام تا به امروز محرم برای خیلی‌ها ماه عوض شدن بود و با این وجود غمش فرق می‌کرد. شور و حرارت عزاداری هایش در تاسوعا و عاشورا تغییر نمی‌کرد و افراد زیادی مثل شاهرخ ضراغ‌ها و طبیب حاج رضایی‌ها را عوض می‌کرد. این سِزی است که شاید از روز واقعه شروع شده است و بعد از آن هر ساله این اتفاق سهمگین در دل‌ها و روان‌های عاشقان حسین (ع) و اهل بیتش تکرار شده است. از سویی دیگر، شعرها و یزیدها در طول تاریخ عوض نشدند و گویی در هر زمان و مکان می‌شود رد پایی از آن‌ها پیدا کرد و امام حسین (ع) هم همواره می‌خواهد حال آدمه ای را عوض کند و او بیراهه‌ها به کربلا دعوت کند تا عاقبت شان ختم به خیر شود. در این رستاخیز هستی هم البته عده ای پیدا می‌شوند که از قافیه زندگی جا می‌مانند. نسبتی با محرم ندارند و قافیه هایشان فرق می‌کند. همان کسانی که خرده می‌گیرند و اظهار تعجب می‌کنند. اما چه اهمیتی دارد؟! وقتی که شعر زندگی در کربلا این گونه آغاز می‌شود: «تا ز پرورد تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد».
احمد کاظمی

- ماوشما

* پرونده «قاب‌ها و یادها» عالی بود. دم همتون گرم.
* پرونده «نقاشی یویاری» را نخواندم. مبین.
* در ستون یادبود، آخرش نفهمیدیم یارو توماس ایلوت هست یا توماس الیوت؟
* شما: توماس ایلوت صحیح است. در عکس، اشتباه نوشته شده است.
* این فردی که بر اش یادبود زدن، ظاهر ابا الهام از خیام، اعصابش خرد شده و بعدش شعر گفته! به پیشه خودش گفته، لعنتی!
* در صفحه سلامت برای مطلب دشمن کلیه‌ها، عکس قلب گذاشتین؟! ایاتفاوت قلب و کلیه را نمی‌دانید؟ جمع کنید بابا!
* **ما و شما:** عکس درباره هوای آلوده بود و واکدر قلبی شکل، آرزوی داشتن هوای سالم را نشان می‌داد که به نفع کلیه هم هست.
* چرا قمه‌های تکیه را چاپ نمی‌کنید؟ بسپار آموزنده و یادآور خاطرات ما بود.
* از متن‌ها و تصاویر خوبی که در بخش زندگی سلام چاپ می‌کنید، ممنونم. سرگرم‌کننده است.
* چرا در بیشتر سریال‌ها، هیجان یعنی بیمارستان و اتاق عمل و کما؟ مگر موضوع دیگه‌ای برای هیجان وجود نداره؟
* بریده کتاب امروزتان را همه پدر و مادرها باید قاب کنند و بزنن جلوی چشم شان.
* توصیه‌ای دوستانه به زندگی سلامی‌ها: دختر خان‌ها از ازدواج با آقایانی که عزت نفس و اعتماد به نفس پایینی دارند و به دنبال آن علاقه مند به خودنمایی و به رخ کشیدن داشته‌های خود هستند، پرهیز کنند چون بعدا مثلا از خانم‌شان می‌خواهند در جامعه بی‌حجاب حاضر شود و بالعکس، آقایان هم از ازدواج با چنین دخترانی، پرهیز کنند.
* ماجرای سگ قهرمان در مکزیک تکراری بود. مثل این که مطلب هم کم میاید که حتی نحوه تمیز کردن تخم مرغ رو آموزش می‌دهید. آخه شستن تخم مرغ هم آموزش می‌خواد!



لحظه نشاندن یک هواپیما روی باند فرود گاه‌هلند، عکس روز نشنال جئو گرافی



پایان کار نقاشی روی سید گل و میوه برای شروع جشنواره پاییزه در چین(برای درک ابعاد سازه به کار گران دقت کنید)

- یادبود

دیالوگ های ماندگار فیلم های «کمال تبریزی»

به مناسبت سالروز تولد مردی که بارها و بارها نامزد دریافت سیمرغ بلورین در رشته های مختلف در جشنواره فیلم فجر شده است، سری می‌زنیم به دیالوگ های ماندگار فیلم هایش.
فیلم هایی که «کمال تبریزی» ساخته است و کمتر طرفدار سینمایی پیدا می‌شود که آن‌ها را ندیده باشد به خصوص «طبقه حساس»، «همیشه پای یک زن در میان است»، «یک تکه نان» و «لیلی با من است»...
وسط بیان/ پیرمرد (رضا کیانیان): دلت گرفته؟! / **سرباز** (هومن سیدی): آره. / **پیرمرد**: دل همه می‌گیره. دل داشته باشی می‌گیره دیگه. اصلا دلی که نگیره که دل نیست. میخوای به راهی بهت یاد بدم دلت وا بشه؟ مثل من چشمت رو ببند... د ببند دیگه... چی می‌بینی؟ / **سرباز**: هیچ کس. / **پیرمرد**: هیچ کس قشنگه دیگه... هیچ کس همه کسه، همه کس هیچ کسه!
مغازه سنگ قبرسازی/ کمالی (رضا عطاران): به چیز تک می‌خوام. داری رو گرانتیت اصل برزیل می‌نویسی، حاجی؟ یه چیزی که در شأن گرانتیت برزیل باشه واسم پیدا کن.. / **کاظم** (هوتن کشیبا): پس بریم تو کارای سنگین تر... بله... شرتنی از لب لعشش نجشیدیم و برفت / روی مه پیکر او سیر ندیدیم و برفت. مال حافظه. / **کمالی**: شما این رو بلانسیست رو قبر خواهر و مادر خودت هم می‌نویسی؟
در حال رفتن/ غلامعلی: حاج آقا خود خدا هم نمی‌خواد من آدم شم / **رضا** (پرویز پرستویی): بزمجه خریت خودتو گردن خدا ننداز!
مارمولک در حال صحبت کردن/ جاهد (مهران مدیری): چه طور قیمت شاهد برای طلاق گرون تر از عروسیه؟ / **دوستش**: آخه آزادی بیشتر می‌ارزه!
همیشه پای یک زن در میان است در حال صحبت/ شیرین (نازنین بیاتی): ببخشین من می‌تونم یک سوال از شما بکنم / **گروس** (شهاب حسینی): بله، خواهش می‌کنم! / **شیرین**: شما به غیر از آگروز ماشین و زباله های بازیافتی به چیز دیگه ای هم فکر می‌کنین؟ / **گروس**: بله، به شما! من به شما فکر می‌کنم.
طعم شیرین خیال روی نیمکت پارک/ حمید امجد خطاب به هانیه توسلی: «اعتراف می‌کنم. اعتراف می‌کنم من نیز گاه به آسمان نگاه کرده‌ام. درذانه. به ستارگان ولی نه به همه آن‌ها... به آن‌ها که شبیه ترین به چشمان تو بودند.»
گاهی به آسمان نگاه کن پرویز پرستویی: اولا فکر نکنید که خدا شما رو فراموش کرده، شاید درهای زندان به روی شما بسته باشد اما درهای رحمت خداوند همیشه به روی شما باز است و این قدر به فکر راه‌های دررو نباشید! خدا که فقط متعلق به آدم‌های خوب نیست. خدا، خدای آدم‌های خلافکار هم هست و فقط خود خداست که بین پندگانش فرقی نمی‌گذارد. فی الواقع او: اند لطفات، اند بخشش اند بی خیال شدن، اند چشم پوشی و اند رفاقت است. رفیق خوب و بابرام همه چیزش را پای رفاقت می‌گذارد! اگر آدم‌ها مرام داشته باشند، هیچ وقت خلاف نمی‌کنند...
مارمولک

- اینستاگردی

و او نبود...



«هادی کاظمی»، بازیگر به مناسبت پنجمین سالگرد درگذشت مادرش، عکسی تکان دهنده و متنی را منتشر کرد که تلنگری به‌جا برای همهٔ آن‌هایی است که سایهٔ نعمت بزرگی به نام «مادر» روی سرشان است:
«آسمان آبیست / وزمین باردار / ایستاده بود بر ابر هوا / رویش شعر از زمین / ما سیاه و او سپید / خانه پدری شلوغ از سر سلامتی / زمان، زمان دلتنگی / و او نبود / پدرم می‌گفت؛ قول از خدا گرفته بودم زودتر بروم / باران بارید روی صورتش / و او نبود رفته بود / ما سیاه و او سپید / آسمان دلش گرفت / و زمین بیار خورند داشت / زمین شاعر شد / زبانه الکن پُر از واژه‌های کاش و حسرت / و او نبود / ایستاده بود بر ابر هوا / ما سیاه و او سپید.»



پایان کار نقاشی روی سید گل و میوه برای شروع جشنواره پاییزه در چین(برای درک ابعاد سازه به کار گران دقت کنید)

- دور دنیا

زن عنکبوتی!



آدیتی سنترال/ بنا بر یک سنت دیرینه در چین، مردان خانواده از صخره های شیب دار بلند وحشتناک بالا می روند تا نوعی گیاه کوهی را که در ارتفاعات می روید و خواص دارویی زیادی دارد، برای گذران معاش خانواده بچینند.

این گروه از مردان به مردان عنکبوتی شهرت دارند اما به تازگی یک زن هم در میان آن ها دیده می شود! این زن که تنها زن صخره نورد این گروه است، بدون کمک گرفتن از هیچ وسیله ای از قبیل طناب و تجهیزات حرفه ای، ارتفاع متری این صخره های وحشتناک را بالا می رود!

کار گذاشتن میکروفون در دهان!



آدیتی سنترال/ «اسپیرت پیتون» زن ۴۷ ساله، یکی از کسانی است که به طرز عجیب و غریبی در صفحات اجتماعی معروف شده است. او با قرار دادن یک میکروفون در کنار دهانش، روزی چند بار غذا و نوشیدنی می خورد و صدای گوش خراش جوییدن غذا را در اینستاگرامش منتشر می کند! از آن جایی که این روزها هر کسی کار عجیب و غریبی و نامعقولی انجام دهد، به شدت در شبکه های اجتماعی از آن استقبال می شود، این زن هم طرفداران بسیاری دارد.

درخواست پول از مردم برای برگز آری عروسی لاچپری!



آدیتی سنترال/ «جیسون میلک» و «ریکا»، زوج کانادایی زمانی که تصمیم به ازدواج گرفتند، متوجه شدند هزینه یک عروسی مجلل را ندارند. آن ها همیشه آرزو داشتند که عروسی با شکوهی برگزار کنند و از همه اقوام و دوستان دعوت کنند تا در شادی شان شریک باشند. این زوج با وجود این که هر دو شاغل بودند، وب ساینی طراحی کردند و در آن توضیح دادند که چرا رویای یک عروسی با شکوه را دارند و از مردم خواستند تا هزینه عروسی آن‌ها را تامین کنند. در کمال ناباوری هزینه عروسی آن‌ها با کمک های مردمی تامین شد و توانستند یک جشن عروسی با شکوه برگزار کنند!

بزرگ ترین هویج جهان!



دیلی میل / «کریس کوآلی» ۳۴ ساله ملقب به سبز انگشتی نام‌مردی است که عاشق پرورش میوه‌ها و سبزیجات غول پیکر است و برای همین به چنین نامی شهرت یافته است. او دو سال پیش برای پرورش یک هویج غول پیکر برنامه ریزی کرد و تمام این مدت مانند یک کودک از آن مراقبت کرد تا بالاخره به آن چیزی که مد نظرش بود، رسید! هویجی که او پرورش داده، ۲۲ کیلوگرم وزن دارد و به زودی در گینس ثبت خواهد شد.